



رضا سیف‌اللهی، عضو شورای پنج نفره‌ای بود که دو ماه قبل از تسخیر سفارت امریکا شکل گرفت و او مسئول روابط عمومی و صدور اطلاعیه‌های دانشجویان حاضر در لانه شد که مواضع تسخیر کنندگان را تبیین می‌کرد. به اعتقاد او قصد دانشجویان از انتشار اسناد سفارت، افشاکری نبود اما این مطالبه شکل گرفته و مردم حق خودشان می‌دانستند که بدانند در آنجا چه می‌گذرد.



عکس: getty images

رضا سیف‌اللهی:

تجدید نظر نگرده‌ام

■ شورای پنج نفره‌ای که بعداً مدیریت قضیه لانه جاسوسی را به عهده می‌گیرد چگونه تشکیل شد؟

بعداً به عهده نمی‌گیرد، بلکه قبل از اینکه تسخیر لانه صورت بگیرد و در این زمینه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بشود، این شورا مرکب از نمایندگان چهار دانشگاه مهم تهران یعنی دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه تهران، دانشگاه ملی (شهید بهشتی) و پلی‌تکنیک (امیرکبیر) تشکیل شد. اینها دانشگاه‌های مطرح بودند و بخصوص در زمینه‌های سیاسی سوابق داشتند و تحرکات دانشجویی در این دانشگاه‌ها بسیار قوی بود، البته نه اینکه در دانشگاه‌های دیگر نبود، اما این چهار دانشگاه بیشتر مطرح بودند.

■ فعال‌تر بودند.

حدود دو ماه قبل از تسخیر لانه جاسوسی این شورا تشکیل شد که در واقع پاسخی بود به شرایط حکمفرما بر کشور و شرایط دانشگاه‌ها و محیط‌های کارگری و فضاهای اقوام کشور و مسائل مختلفی که در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی حاکم بودند. فقط هم ما که مقلد امام و پیرو خط امام بودیم این قضایا را رصد نمی‌کردیم.

■ همه طیف‌های دانشجویی این کار را می‌کردند.

همین‌طور است. همه قشرهای دانشجویی و دانشگاهی روی روند‌های مختلف حساس بودند، مخصوصاً که انقلاب تازه به پیروزی رسیده بود و ما هم خودمان را جریانی می‌دانستیم که معتقد و ملتزم به انقلاب و مقلد امام (ره) بودیم و خودمان را در دانشگاه‌ها بلندگوی آن افکار می‌دانستیم.

■ در برابر جریان چپ و مجاهدین خلق و...

دقیقاً. بنابراین شورای لانه جاسوسی بعد از تسخیر لانه به وجود نیامد، بلکه این شورا با بررسی دقیق محیط اساساً تصمیم‌سازی کرد. منظور محیط ملی کشور، فضای بین‌المللی و فضای حاکم بر دانشگاه‌هاست. برای کارشان شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی را هم در ذهن داشتند که منجر به این تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شد که توضیح خواهم داد. منظورم این است که این شورای تسخیر لانه جاسوسی قبل از تسخیر لانه تشکیل شد.

■ جلسه‌ای را که این مسائل داشتند بررسی می‌شدند در ذهن دارید؟

یک جلسه نبود، چندین جلسه بود.

■ پیشنهاد سفارت را اول چه کسی مطرح کرد؟

پیشنهاد سفارت از طرف دانشگاه صنعتی شریف مطرح شد و دانشگاه‌های دیگر این را قبول کردند، اما برای همه سؤالات و ابهاماتی وجود داشت. مثلاً یکی از سؤالات این بود که نظر امام چیست؟ چون چریک‌ها هم یک سابقه تسخیر داشتند.

■ بهمن ماه ۵۷...

بله، ما نمی‌خواستیم که مثل آنها بریزیم و یک عده را بگیریم، بی‌آنکه خواسته‌ای داشته باشیم.

■ آنها وقتی این کار را کردند، شاه به امریکا رفته بود. در آن موقع دغدغه مهم و محور اعتراضات دانشجویان پیرو خط امام این بود که چرا امریکا شاه را راه داده است؟

واکنش بود. بله، این حرف برای ما حرف مهمی بود. ما که زورمان نمی‌رسید به امریکا بگوییم چرا راه دادی؟ بنا به تحلیلی، تئوری توطئه، بیشتر به ذهن می‌آمد، چرا؟ چون سابقه تاریخی امریکا در ایران بد بود.

■ به‌خاطر ۲۸ مرداد ۳۲؟

که شاه را دوباره برگرداندند. این حادثه جلوی چشم ما بود. مگر می‌شود که آدم عاقل و مؤمن از یک سوراخ دوبار گزیده شود؟ دقیقاً این شرایط تداعی شد که اینها به دنبال توطئه‌ای هستند و ما باید سریع کاری بکنیم و آنها را سریعاً تحت فشار قرار بدهیم که آن توطئه تاریخی دوباره تکرار نشود، مخصوصاً که دولت موقتی‌ها هم رفته و خارج از چارچوب انقلاب با برژینسکی صحبت‌هایی کرده بودند.

■ احساس می‌کردند اتفاقاتی دارد می‌افتد و شما باید واکنش نشان بدهید.

بله.

■ شناسایی‌های لانه چگونه صورت گرفتند؟

بعد از اینکه این تصمیم گرفته شد، ما دغدغه‌هایی داشتیم. یکی از مفروضات ما این بود که دولت موقت با این اقدام کنار نمی‌آید. برایمان یقین بود. ما باید چه می‌کردیم؟ باید در سکوت و با احتیاط کامل در اطلاع‌رسانی از دولت موقت عبور می‌کردیم، یعنی کاری کنیم که این تصمیم به قول نظامی‌ها تا روز «ر» ساعت

«س» که به اجرا درمی‌آید که در مورد اقدام ما صبح ۱۳ آبان بود، دولت موقت به هیچ عنوان متوجه نشود. چون اگر می‌فهمید یا پیشدستی می‌کرد و نمی‌گذاشت این کار صورت بگیرد یا اقدامات امنیتی را تشدید می‌کرد که کسی نتواند این کار را انجام بدهد و در نتیجه زد و خوردهایی پیش می‌آمد.

■ قضیه منتفی می‌شد.

بله، مسأله منتفی می‌شد. این احتمال هم که دولت موقت، مقامات قضایی و امنیتی را برای دستگیری و محاکمه بچه‌ها بفرستد، در ذهنمان بالا بود.

■ قطعی می‌دانستید.

تقریباً قطعی می‌دانستیم و همین‌طور هم شد. دولت موقت خیلی تلاش کرد که امام را به مقابله با ما وادار کند و دستگاه‌های مختلف قضایی، امنیتی و دولتی را وادار به واکنش متقابل با ما بکند، ولی موفق نشد.

■ به اینجا می‌رسیم که بعد از تسخیر چه اتفاقاتی روی داد.

پیش از آن اقدامات و شناسایی‌ها را بگویید.

ما از جایی که باید می‌گرفتیم هیچ شناختی نداشتیم. احتمال می‌دادیم که تفنگداران مسلح امریکایی در داخل سفارت باشند، ولی قضیه برایمان قطعی نبود و جزو احتمالات و شرایط بد حسابش می‌کردیم. نمی‌دانستیم که اگر آنها بخواهند مقاومت کنند و با ما درگیر بشوند چه کار باید بکنیم. یا ساختمان‌ها هر کدامشان چه موقعیتی دارند؟ ساختمان اصلی کدام است؟ چگونه آنها را بگیریم که پا به فرار نگذارند و بر اوضاع مسلط نشوند؟

تمام این ابعاد، چهارچوب سفارت، ساختمان‌های مختلف سفارت و ساختمان اصلی و تردها را طی چند روز از ساختمان‌ها و هتل‌های مشرف به لانه جاسوسی زیر نظر گرفتیم. مثلاً خود من با تعدادی از دوستان به ساختمان چند طبقه‌ای که کاملاً بر سفارت مشرف بود، رفتیم و تحرکات را یادداشت کردیم که چند نفر داخل و خارج می‌شوند و با چه ماشینی؟ از کدام ساختمان‌ها سر درمی‌آورند؟ ساختمان اصلی را حدس زدیم و نقشه سفارت را با حدس‌های قریب به یقین در آوریم که در کجاها چه فضاهایی وجود دارند و براساس یک شناسایی اجمالی از منطقه، اقدامات خودمان را سازماندهی کردیم.

■ وارد لانه می‌شوید و طبعاً چند ساعتی طول می‌کشد تا بر محیط مسلط شوید و ساختمان‌ها را بگیرد و اشراف کامل پیدا کنید. اولین اقدامی که بچه‌های لانه بعد از تسخیر انجام می‌دهند، چیست؟

تا به ساختمان‌های مختلف مسلط بشویم طول کشید. آنها درها را بسته بودند و معلوم بود که سفارت امریکا طرح حفاظتی دارد. مخصوصاً به دو دلیل این کار را کرده بودند. دلیل اول این است که سابقه تسخیر لانه توسط چریک‌های فدایی خلق وجود داشت و آنها آمادگی داشتند که ممکن است بالاخره یک موجی بیاید.

بحث دوم هم این بود که لبه تیز حملات انقلاب اسلامی ایران به سمت امریکا بود. مخصوصاً که امام (ره) دو روز قبل از آن اطلاعاتی را صادر کرده و به طلاب، دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت فرارسیدن ۱۳ آبان و کشته شدن دانش‌آموزان پیام داده و آنها را متوجه وظیفه بزرگی در مقابل امریکا کرده و گفته بودند که اعتراضاتشان را گسترش بدهند. بنابراین طبیعی بود که سفارت امریکا طرح حفاظتی داشته باشد و ما با کارهای مختلف مواجه شدیم. سد اول این بود که تفنگدارها با گاز اشک‌آور و اسلحه در مقابل ما ظاهر شدند و از گاز اشک‌آور هم استفاده کردند.

■ تیراندازی چطور؟

نه، تیراندازی نکردند. معلوم بود که دستور داشتند تیراندازی نکنند. بعد هم برای ما یقین شد که از واشنگتن به اینها بلافاصله دستور دادند که فقط مقاومت کنید. در این زمانی که اینها می‌خواستند مقاومت کنند، ما نمی‌دانستیم چه اتفاقاتی دارد می‌افتد. بعدها فهمیدیم بستن درها و مقاومت آنها به خاطر این بود که می‌خواستند برای چند تا کار زمان بخرند. معلوم بود که برای این کار هم دستور گرفته‌اند، آنها در این فاصله تمام اسناد طبقه‌بندی شده فوق سری را از همه اتاق‌ها جمع و آنها را پودر کردند که احیا هم نشدند. اما آنها بی‌ار که طبقه‌بندی داشتند، اهمیت سری اول را نداشتند، رشته رشته کردند. ماشین‌های بزرگ رشته‌کن، توده عظیمی از اسناد رشته شده را درست کرده بودند.